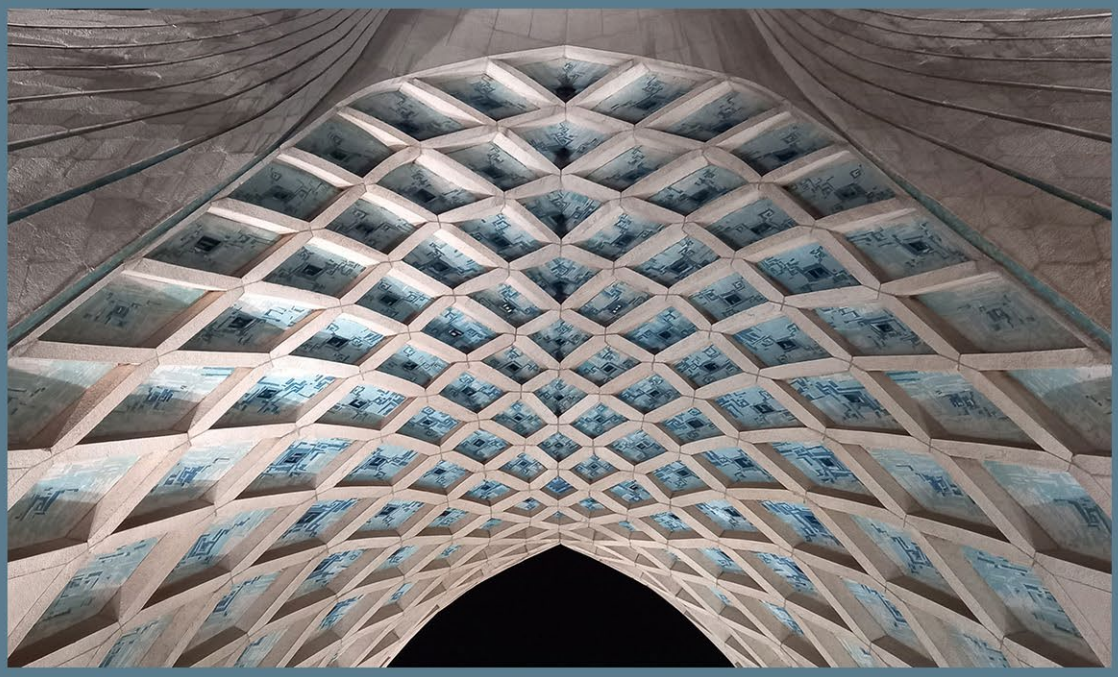
مطالعات معماری ایران ۲۹

دوفصلنامه علمی دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان

سال پانزدهم، شماره ۲۹، بهار و تابستان ۱۴۰۵



◆ تاریخ‌شناسی معماری مسجد جامع آمل و نسبت آن با شهر در سده‌های نخست هجری
● ذات‌الله نیک‌زاد

◆ بازتعریف محدودهٔ قیصریه در بازار کاشان و شکل‌گیری یک مرکز جدید شهری در نیمهٔ دوم دورهٔ قاجاریه
● یاسمن صفیان/ حمیدرضا جیحانی/ سید محمود سادات

◆ سنجش ارزش‌های قلعه‌رودخان به‌عنوان میراث جهانی از منظر منشور ایکوفورت و دستورالعمل اجرایی کنوانسیون میراث جهانی
● ابوذر جانعلی‌پور/ پیروز حناچی/ محمدحسن طالبیان

◆ بهبود حد نهایی پایداری جانبی سازهٔ یک دهانهٔ متشکل از طاق‌آهنگ بر روی پایه در صفحهٔ قوس
● فرزین ایزدپناه

◆ ارزیابی عملکرد پوستهٔ مشبک آجری در کنترل تابش و نور در اقلیم گرم و نیمه‌خشک دزفول
● کلثوم کامکار/ کورش مؤمنی/ اکبر موسی ئی جو

◆ از باغ به میدان: ظهور نرده و آشکار شدن فضای سلطنتی در شهر عصر ناصری
● کاوه رشیدزاده/ گلنار حکمت

◆ بررسی هندسی جلوه‌های گره‌چینی در نمونه‌های تاریخی ایران به روش الگوریتمی
● مهدی عزیزی همدانی/ مجتبی ثابت‌فرد

◆ ابعاد و ویژگی‌های مفهومی استدلال حدسی در عمل طراحی
● علی قریشوندی ابراکی/ علی علائی/ کیوان جورابچی/ سعید نوروزیان ملکی

◆ نقش پیکره‌بندی فضا در ایجاد اجتماع‌پذیری مراکز تجاری شهر اصفهان با مقیاس اجتماعی
● مریم گروهی/ نرگس دهقان/ منصوره کیان‌ارثی/ سمیه رفیعی

◆ ارزیابی پراگماتیک: فرصتی برای اصلاح سیاست‌ها و رویه‌های مداخله در محدوده‌های هدف (مورد انضمامی: سندملی بازآفرینی)
● مرتضی‌هادی جابری‌مقدم/ شیما سقندلی

◆ از رویدادسازی تا شخصیت‌پردازی موزه‌یادمان‌ها
● فائزه تفرشی/ منوچهر معظمی/ نیکلاس وایز

◆ اثر حذف درختان کهن‌سال در معماری معابر ایلام بر تغییر آسایش حرارتی عابران براساس دینامیک سیالات محاسباتی CFD
● کارن فتاحی/ نسرین سیاوش

مطالعات معماری ایران

دوفصلنامه علمی دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان

سال پانزدهم، شماره ۲۹، بهار و تابستان ۱۴۰۵
صاحب امتیاز: دانشگاه کاشان
مدیر مسئول: دکتر علی عمرانی‌پور
سردبیر: دکتر غلامحسین معماریان
مدیر داخلی: دکتر بابک عالمی

هیئت تحریریه (به‌ترتیب الفبا):
دکتر عباس اکبری. دانشیار دانشگاه کاشان
دکتر حمیدرضا جیحانی. دانشیار دانشگاه شهید بهشتی
دکتر پیروز حناچی. استاد دانشگاه تهران
دکتر شاهین حیدری. استاد دانشگاه تهران
دکتر مارکوس ریتر. استاد دانشگاه وین
دکتر محمدصادق طاهر طلوع دل. دانشیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
دکتر بابک عالمی، دانشیار دانشگاه کاشان
دکتر علی عبد الرئوف. استاد دانشگاه حمد بن خلیفه قطر
دکتر علی عمرانی‌پور. دانشیار دانشگاه کاشان
دکتر فاطمه کاتب. استاد دانشگاه الزهرا (س)
دکتر حسین کلانتری. استاد جهاد دانشگاهی
دکتر اصغر محمد مرادی. استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر غلامحسین معماریان. استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر محسن نیازی. استاد دانشگاه کاشان

درجه علمی پژوهشی دوفصلنامه مطالعات معماری ایران طی نامه شماره ۱۶۱۶۷۶ مورخ ۱۳۹۰/۰۸/۲۱ دبیرخانه کمیسیون نشریات علمی کشور، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ گردیده است.

پروانه انتشار این نشریه به شماره ۹۰/۲۳۰۳۰ مورخ ۹۱/۹/۷ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است.

این نشریه حاصل همکاری مشترک علمی دانشگاه کاشان با دانشکده معماری دانشگاه تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه الزهرا (س)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه شهید رجایی، پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی و انجمن علمی انرژی ایران است.

نشریه مطالعات معماری ایران در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC)، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، پایگاه مجلات تخصصی نور (noormags.ir)، پرتال جامع علوم انسانی (ensani.ir) و بانک اطلاعات نشریات کشور (magiran.com) نمایه می‌شود.

تصاویر بدون استناد در هر مقاله، متعلق به نویسنده آن مقاله است.

(نسخه الکترونیکی مقاله‌های این مجله، با تصاویر رنگی در تارنمای نشریه قابل دریافت است.)

عکس روی جلد: علی عمرانی‌پور
(بنای میدان آزادی)

ویراستار ادبی فارسی: معصومه عدالت‌پور
همکار اجرایی: فائزه تفرشی

دورنگار: ۵۵۹۱۳۱۳۲-۰۳۱

نشانی دفتر نشریه: کاشان، بلوار قطب راوندی، دانشگاه کاشان، دانشکده معماری و هنر، کدپستی: ۵۳۱۵۳-۸۷۳۱۷

رایانامه: j.ir.arch.s@gmail.com
پایگاه اینترنتی: jias.kashanu.ac.ir

شاپای الکترونیکی: ۵۰۲۰-۲۶۷۶

فهرست

۵ **تاریخ‌شناسی معماری مسجد جامع آمل و نسبت آن با شهر در سده‌های نخست هجری**
ذات‌الله نیک‌زاد

۲۵ **بازتعریف محدودهٔ قیصریه در بازار کاشان و شکل‌گیری یک مرکز جدید شهری در نیمهٔ دوم دورهٔ قاجاریه**
یاسمن صفیان/ حمیدرضا جیحانی/ سید محمود سادات

۵۷ **سنجش ارزش‌های قلعه‌رودخان به‌عنوان میراث جهانی از منظر منشور ایکوفورت و دستورالعمل اجرایی کنوانسیون میراث جهانی**
ابوذر جانعلی‌پور/ پیروز حناچی/ محمدحسن طالبیان

۸۵ **بهبود حد نهایی پایداری جانبی سازهٔ یک دهانهٔ متشکل از طاق‌آهنگ بر روی پایه در صفحهٔ قوس**
فرزین ایزدپناه

۱۰۹ **ارزیابی عملکرد پوستهٔ مشبک آجری در کنترل تابش و نور در اقلیم گرم و نیمه‌خشک دزفول**
کلثوم کامکار/ کورش مؤمنی/ اکبر موسی ئی جو

۱۳۷ **از باغ به میدان: ظهور نرده و آشکار شدن فضای سلطنتی در شهر عصر ناصری**
کاوه رشیدزاده/ گلنار حکمت

۱۶۱ **بررسی هندسی جلوه‌های گره‌چینی در نمونه‌های تاریخی ایران به روش الگوریتمی**
مهدی عزیزی همدانی/ مجتبی ثابت‌فرد

۱۷۹ **ابعاد و ویژگی‌های مفهومی استدلال حدسی در عمل طراحی**
علی قریشوندی آبراکی/ علی علائی/ کیوان جورابچی/ سعید نوروزیان ملکی

۲۰۵ **نقش پیکره‌بندی فضا در ایجاد اجتماع‌پذیری مراکز تجاری شهر اصفهان با مقیاس اجتماعی**
مریم گروهی/ نرگس دهقان/ منصوره کیان‌ارثی/ سمیه رفیعی

۲۲۹ **ارزیابی پراگماتیک: فرصتی برای اصلاح سیاست‌ها و رویه‌های مداخله در محدوده‌های هدف (مورد انضمامی: سندملی بازآفرینی)**
مرتضی‌هادی جابری‌مقدم/ شیما سقندلی

۲۵۳ **از رویدادسازی تا شخصیت‌پردازی موزه‌یادمان‌ها**
فائزه تفرشی/ منوچهر معظمی/ نیکلاس وایز

۲۷۳ **اثر حذف درختان کهن‌سال در معماری معابر ایلام بر تغییر آسایش حرارتی عابران براساس دینامیک سیالات محاسباتی CFD**
کارن فتاحی/ نسرین سیاوش

۲۹۵ **بخش انگلیسی**

تاریخ‌شناسی معماری مسجد جامع آمل و نسبت آن با شهر در سده‌های نخست هجری

علمی‌پژوهشی

ذات‌الله نیک‌زاد*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۴/۳۱

چکیده

هنگامی که طبرستان به حاکمیت خلافت اسلامی الحاق شد، بیشتر از یک سده از تسلط تازیان بر ایران می‌گذشت و در این مدت دگرگونی‌های اجتماعی و فضایی به‌تدریج در شهرهای مهم ایران روی داده بود. طبرستان که در پناه رشته‌کوه شمال ایران و زیر قدرت اسپهبدان قرار داشت، با وجود کشمکش‌ها، تا حدودی برکنار از تغییرات ماند. بیشترین آگاهی از وضعیت این روزگار، از صحایف تاریخ‌نامه‌ها فهمیده می‌شود و کمترین آگاهی از راه شواهد معماری و باستان‌شناسی به دست می‌آید. رویدادهای طبیعی و انسانی و درمجموع، دست تطاول روزگار شواهد قدیم را به‌ویژه در پهنهٔ جلگه و شهرها پریشان کرده و همچنین پژوهش‌های هدفمند و دامنه‌دار کمتر صورت گرفته است. شهر آمل مرکز طبرستان و از شهرهای بااهمیت آن در روزگار باستان و سده‌های نخستین پس از اسلام به شمار می‌رفت. از نخستین اقدامات عمّال خلیفه در طبرستان، بنیاد مسجد جامع در میانهٔ سدهٔ دوم هجری بود. ازاین‌رو این فرض را می‌توان طرح کرد که مسجد جامع نقطه‌ای کلیدی در فهم تحول شهر ساسانی به شهر دورهٔ پساساسانی است. با طرح این پرسش که مسجد جامع آمل در سده‌های نخست هجری ازنظر معماری چه مشخصاتی داشته و نسبت آن با شهر چه بوده است؟ برای پاسخ به این پرسش، تحقیق به روش پژوهش «تاریخی‌ـتفسیری» و با رویکرد میان‌رشته‌ای، که فهم رابطهٔ درهم‌تنیده مسجد و شهر را میسر می‌سازد، پیش رفته است. منابع قابل بررسی و تحلیل، کتب جغرافیای تاریخی و تاریخ‌نامه‌های محلی نظیر *تاریخ طبرستان* بوده است. نتایج نشان می‌دهد این مسجد به‌گمان از گونهٔ شبستانی با صحنی در میان بود و چندی بعد با برپایی مقصوره تحول یافت. نطفهٔ آغازین تحول شهر ساسانی به پس از اسلام، از مسجد جامع، که در بافت درون شارستان بنیاد شد، بسته شد و به دیگر بخش‌ها تسری یافت؛ ازجمله اینکه بازار با راسته‌هایی در پیرامون مسجد جامع شکل گرفت.

کلیدواژه‌ها:

مسجد جامع، شهر آمل، طبرستان، تاریخ معماری، تاریخ شهر.

* دانشیار، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، z.nikzad@richt.ir

مطالعات معماری ایران
دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۹ ـ بهار و تابستان ۱۴۰۵
صفحات ۲۳-۵ ۵

پرسش‌های پژوهش

۱. مسجد جامع آمل در سده‌های نخست هجری ازنظر معماری چه مشخصه‌هایی داشت؟
۲. نسبت مسجد جامع با شهر آمل در سده‌های نخست هجری چه بود؟

مقدمه

مسجد جامع آمل در محدودهٔ جنوب شرقی بازار شهر قرار دارد و با کارکرد مسجد ـ مدرسه شناخته می‌شود. مسجد بنایی است آجری که صحنی در میان دارد و فضاها بر چهارسوی آن گرد آمده‌اند. ضلع جنوبی برای مسجد و سه ضلع دیگر برای مدرسهٔ علوم دینی است. در وضعیت حاضر، آثاری از مسجد اولیه برجا نیست تا با استناد به آن بتوان به بحث دربارهٔ ویژگی‌های معماری آن دوره پرداخت. اما در متون تاریخی به‌طور جسته‌گریخته اشاراتی به مسجد شده است که هرچند کم، اما قابل استناد و درخور توجه است. در نبود شواهد مادی معماری مربوط به گذشته دور، با استفاده از مستندات مکتوب به انضمام دیگر یافته‌ها می‌توان پرده از ابهاماتی چند برداشت. علاوه‌بر آگاهی از ویژگی‌های معماری، مسجد جامع در جایگاه فضای شهری نیز می‌تواند مطرح شود و بخشی از تصویر ناشناختهٔ شهر را بنمایاند. بازهٔ زمانی این پژوهش سده‌های نخست هجری است؛ با این هدف که تاریخ و معماری و موقعیت شهری مسجد جامع آمل تبیین شود.

مسجد جامع آمل در میان بازار شهر مورد استفادهٔ طلاب و مردم است، اما از ظاهر بنای موجود می‌توان درک کرد که نسبتی با مسجد سده‌های نخست هجری ندارد؛ به این معنا که شواهد ساختمانی حکایت از بنای سده‌های متأخر دارد. با توجه به دگرگونی‌های محیط شهری و معماری به‌وجودآمده، نیاز است منابع مکتوب بررسی و تحلیل یا تفسیر شود. کتب جغرافیای تاریخی و تاریخ‌نامه‌های محلی نظیر *تاریخ طبرستان* که اشاره به شهر و مسجد دارند، با تأکیدی ویژه بازخوانی خواهند شد. با روش پژوهش «تاریخی ـ تفسیری»، ضمن شکافتن روایت‌های تاریخی و مسائل مطرح‌شده در متن منابع، تا حد امکان انطباق با شواهد محیطی با اتکای به مطالعات میدانی صورت خواهد گرفت. ارائهٔ تصویری از مسجد جامع چه در قامت یک بنای بااهمیت و چه در بستر فضای شهری در مقطعی از تاریخ که فاصلهٔ بسیاری تا امروز دارد، نیازمند تحلیل و تفسیر متن تاریخی است.

۱. پیشینهٔ پژوهش

جز آنچه مورخان محلی، جغرافی‌نویسان و سیاحان، جسته‌گریخته دربارهٔ شهر آمل و برخی آثار معماری آن مانند مسجد جامع نوشته‌اند، معدود محققانی توجهی به این بنا نشان داده‌اند. منوچهر ستوده در *آستارا تا استارآباد* ضمن شرحی دربارهٔ وضع موجود مسجد، سنگ‌نوشتهٔ دورهٔ صفوی دالان ورودی مسجد را خواند (ستوده ۱۳۷۵، ج. ۴: ۶۸ـ۷۰). علامه در *یادگار فرهنگ آمل* اشاره‌ای به مسجد داشته و از کارکرد مدرسه و برخی تعمیرات سدهٔ اخیر نام برده است (علامه ۱۳۲۸، ۷۲). مهجوری در *تاریخ مازندران* فقط نامی از مسجد جامع برده و مطلب قابل توجهی به دست نداده است (مهجوری ۱۳۴۵). در مجموعهٔ *گنجنامه*، جلد مربوط به مساجد جامع، شرح مختصری دربارهٔ معماری، برخی اشارات تاریخی و کتیبه‌های موجود مسجد جامع همراه با عکس‌ها و نقشه‌ها آمده است (حاجی‌قاسمی ۱۳۸۳، ۱۶ـ۲۱). یوسفی‌فر و یدالله‌پور در ضمن برشمردن مشخصاتی از بنا، گفت‌وگویی دربارهٔ کتیبه‌های دورهٔ صفویه و وقفیات مسجد کردند (یوسفی‌فر و یدالله‌پور ۱۳۸۸، ۲۵ـ۵۲). در اسناد و نوشته‌های منتشرشده، به اندک اشارات تاریخی و شرح کوتاه و ناکافی وضعیت موجود بنای مسجد بسنده شده است، اما در این نوشتار دربارهٔ ابعاد گوناگون معماری و مسائل تاریخی مسجد جامع و نسبت آن با شهر بحث خواهد شد.

۲. مسجد جامع آمل در بستر مطالعات شهری و تاریخی

مسجد جامع در شهرهای کهن ایران، در جریان تحولات پس از ورود مسلمانان استقرار یافته و نشان‌دهندهٔ دگرگونی از دوره‌ای به دورهٔ دیگر است. فهم این تحولات با مطالعهٔ وضع موجود و سردرآوردن از شرایط گذشته ممکن می‌شود. شناخت مسجد جامع در بستر فضایی و زمانی صورت خواهد گرفت. ترسیم وضعیت حاضر و چشم‌اندازی از تحولات تاریخی بنا و بستر شهری در این بخش مورد نظر است. بنابراین با استناد به محتوای تاریخ‌نامه‌ها و تحقیقاتی که صورت گرفته و مشاهده و مطالعهٔ میدانی در محیط شهری، تصویری از جغرافیای تاریخی شهر و روند تاریخی و جایگاه مسجد جامع ارائه خواهد شد.

۲. ۱. طبرستان و آمل در سده‌های نخست هجری

طبرستان در میانهٔ ناحیهٔ جنوبی دریای مازندران قرار گرفته است. قلمرو سرزمینی این ناحیه، از شرق به گرگان، از غرب به گیلان، از شمال به دریا و از جنوب به کوهستان البرز و دامنهٔ منتهی به سمنان و ری بود. مازندران امروز تقریباً منطبق بر همان پهنهٔ قدیم است. پهنه‌های کوهستان، جنگل، جلگه و دریا، محدودهٔ جغرافیایی زیست را تشکیل می‌دهد. در سده‌های نخست هجری، تمیشه، ساری، آمل، ناتل و چالوس از شهرهای مهم طبرستان به شمار می‌رفتند. علاوه‌بر این‌ها روستاهای واقع در کل پهنه، بندرگاه، قلعه‌های کوهستانی را باید به سامانهٔ زیستی افزود. محوطه‌های تاریخیِ شناسایی و کاوش‌شده نشان می‌دهد که در دوره‌های گوناگون پیش از تاریخ، دورهٔ باستان و پس از اسلام جریان زندگی به‌طور وسیع وجود داشته است.

آمل از روزگار باستان مرکز طبرستان بوده و در میانهٔ این سرزمین قرار داشته است. این شهر در جایی واقع شده که چهار سو را به هم وصل می‌کند. از جنوب به‌سوی کوهستان و ری، از شمال به بندرگاه و دریا، از شرق به گرگان و از غرب به گیلان می‌رسد. در روزگار ساسانیان، این شهر مرکز طبرستان بود و شهری آباد به شمار می‌رفت که استحکاماتی داشت و اسپهبدان در آن فرمانروایی داشتند و قلمرو دشت و کوهستان را اداره می‌کردند. شهر حصار و بارو خندق با چهار دروازهٔ گشوده به چهار سو داشت. اسپهبدان با اتکای به موانع طبیعی منطقه و تمهیدات دفاعی، تا میانهٔ سدهٔ دوم هجری در برابر هجوم تازیان مسلمان مقاومت کردند و با سقوط آمل، طبرستان به دست آنان افتاد. از این پس، شهر آمل مرکز «اصحاب و اعوان دیوان خلیفه و شحنگان» شد (ابن‌اسفندیار ۱۳۶۶، ۱۸۰) و تا سده‌ها حاکم‌نشین طبرستان بود (ابن‌حوقل ۱۳۶۶، ۱۲۳). در نتیجهٔ این تغییرات، حاکمیت دوگانهٔ دشت و کوهستان به وجود آمد و تا سده‌ها ادامه یافت.

از سدهٔ دوم هجری، به‌تدریج تغییرات کالبدی و اجتماعی در شهر به وجود آمد. مسجد جامع، مصلی و بناهای دیگری در آن ساخته شد. طبرستان روزگار پرتنشی را می‌گذراند؛ خیزش‌های ملی و محلی به دست فرماندهانی نظیر ونداد هرمزد و مازیار روی می‌داد و چندی طاهریان قدرت را در دست داشتند و درنهایت با تشکیل حکومت علویان در سدهٔ چهارم هجری در آمل، به تسلط خلفا در طبرستان پایان داده شد.[۱]

۲. ۲. مساجد تاریخی آمل

با ورود مسلمانان از سدهٔ دوم هجری به بعد، در خاک طبرستان مساجدی ساخته شد که با مراجعه به کتاب‌های تاریخی می‌توان پی به وجود آن‌ها برد. مسجد جامع تمیشه، مسجد جامع ساری، مسجد مامطیر، مسجد جامع آمل، مسجد ناتل، مسجد عمرکلاته، مسجد جامع چالوس (شالوس)، پس از آمل مامطیر است و در آن نیز مسجد و منبر است.

علاوه‌بر مسجد جامع، هریک از محله‌های قدیم آمل مسجد جداگانه‌ای دارد. بنای قدیمِ چند مسجد به جا مانده است و بقیه در یک سدهٔ اخیر نوسازی شده‌اند. مسجدهای قدیمی کاربری مسجد ـ مدرسه دارند. مسجد آقاعباس واقع در کاردگر محلهٔ آمل، حیاطی با سه ضلع ساختمان دو اشکوب در جهات غربی، شمالی و جنوبی دارد. بر سردر ورودی در ضلع غربی منار و گلدسته‌ای هشت‌ضلعی برپاست (ستوده ۱۳۷۵، ج. ۴: ۵۸ـ۵۹). ضلع غربی صحن که متصل به دکان‌های راستهٔ بازار بود، پاساژی ساخته‌اند. اشکوب بالایی مسجد فروریخته و آسیب‌دیده بود و طی سه

دهۀ اخیر همراه با همۀ اضلاع بنا مرمت و بازسازی شد. مطابق سده‌های گذشته، مسجد تا چند سال پیش، به‌ویژه پس از مرمت، محل درس خواندن طلاب علوم دینی و در ارتباط با مدرسۀ مسجد جامع بود، اما اینک به تعطیلی گراییده است. در *تاریخ مازندران* مهجوری این مسجد به‌نام «مسجد جامع کوچک حاج علی» خوانده شده است (مهجوری ۱۳۴۵).

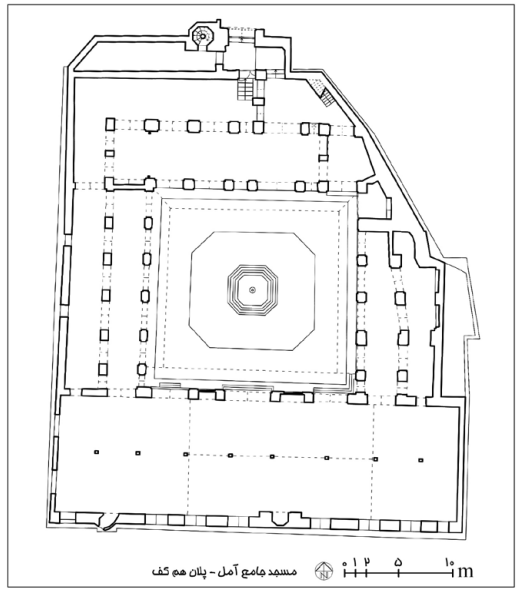
مسجد امام حسن عسکری در انتهای محلۀ پایین‌بازار آمل واقع شده و شامل حیاطی است که سه طرف آن ساخته شده است. شبستان قبله را در سال ۱۳۹۳ق نوسازی کردند. بالای در ورودی گلدسته‌ای هشت‌ضلعی برپاست و نقش‌ونگارهای گچ‌کاری‌شده دارد (ستوده ۱۳۷۵، ج. ۴: ۵۸ـ۵۹). از این مسجد نیز به‌عنوان مدرسه استفاده می‌کردند.

شاهاندشی محله مسجدی قدیمی داشت که خراب کردند (همان، ۶۰) و مسجد جدیدی جای آن ساختند. این بنا مسجد مدرسه‌ای بود که سیزده حجره داشت (مهجوری ۱۳۴۵، ج. ۲: ۳۴۸). مسجد میرزا محمدعلی یا مسجد نیاکی محله که تکیۀ نیاکی نیز کنار آن قرار دارد. بر بالای محراب بر چوبی وقف‌نامه‌ای نوشته شده که نشان می‌دهد مسجد و تکیه در مورخ ۱۲۵۵ق ساخته شد (ستوده ۱۳۷۵، ج. ۴: ۸۸ـ۸۹). مسجد گرجی محله معروف به مسجد امام که حیاط و شبستانی دارد (همان، ۱۰۱ـ۱۰۲). مساجد دیگری نیز بودند که در جریان توسعه‌های یک سدۀ اخیر تخریب و نوسازی شده‌اند.

۲. ۳. بنای کنونی مسجد جامع آمل

مسجد جامع، اکنون بنایی است شبستانی در دو اشکوب که صحنی چهارضلعی نزدیک به مربع در میان دارد و فضاها در چهارسو سازمان یافته‌اند (تصویر ۱ و ۲). در اشکوب همکف، شبستان شمالی از دو فرش‌انداز با یک ردیف ستون هفت‌تایی آجری در میان فضا تشکیل شده است. شبستان جنوبی که نوسازی شده، با هشت ستون فلزی به دو فرش‌انداز قسمت شده و محراب در انتهای ضلع قبله قرار دارد. نمای بیرونی ضلع قبله را در صحن حفظ کرده‌اند (تصویر ۳). سراسر ضلع قبله بازشو رو به بیرون دارد. این شبستان تا دهۀ ۱۳۵۰ش همچون شبستان شمالی شامل هفت ستون آجری در میان بود. شبستان شرقی و غربی نیز با دو فرش‌انداز همراه با هشت ستون آجری طرح‌ریزی شده‌اند. در اشکوب همکف، تویزه‌ها با چَفدهای تیزه‌دار، به‌صورت طولی و در امتداد اضلاع صحن روی ستون‌ها سوار شده‌اند و سقف تخت با فرسب‌های چوبی و لمبه‌کوبی اجرا شده است. فضاهای همکف در چهارسو به مسجد و فضاهای اشکوب اول در سه‌سو به مدرسۀ علمیۀ مذهبی اختصاص دارد. اشکوب بالا که سه ضلع به‌هم‌پیوسته سوی شمال، شرق و غرب است، در هر ضلع راهرویی با پنجره‌هایی رو به صحن دارد و پشت راهروها حجره‌های استراحت و اقامت طلاب، کفش‌کن، کتابخانه و دفتر مدیر مدرسه به ردیف کنار هم واقع شده‌اند (تصویر ۳). سقف شیب‌دار مسجد که در قدیم سفال‌پوش بوده، برچیده شده و سقف سفال جدید اجرا شده است.

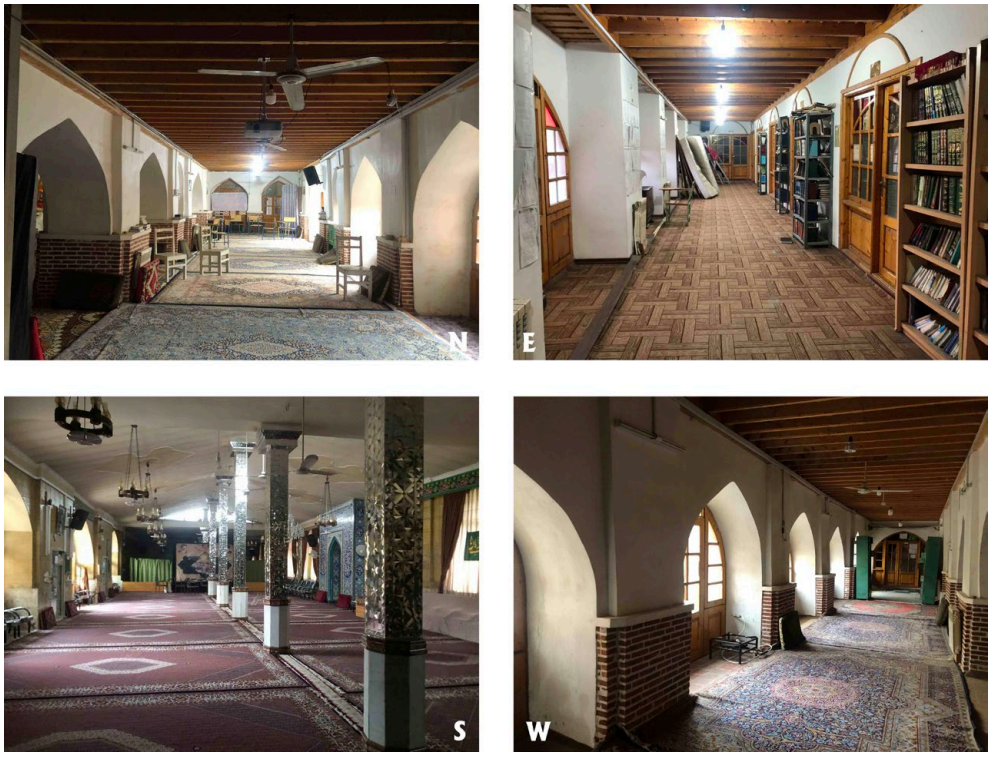
مسجد جامع در محلۀ گلباغ، نزدیک بازار چهارسوق قرار دارد (یوسفی‌فر و یدالله‌پور ۱۳۸۸، ۳۴). ورودی مسجد جامع که در راسته‌ای فرعی است، با نمای پوشیده از کاشی آبی و سفید جدید و در فلزی، در ضلع شمالی و در انتهای یکی از راسته‌های بازار گشوده می‌شود (تصویر ۴) و با دالانی پیچ و خم‌دار به صحن می‌رسد. بر دیوار راهروی ورودی مسجد دو سنگ مرمر به ابعاد ۶۰×۷۰ سانتی‌متر حاوی فرمان شاه سلطان حسین به تاریخ ۱۱۰۶ق نصب کرده‌اند. انواع فساد و فحشا در متن فرمان ممنوع اعلام شده، به دوری از منکرات توصیه شده و توبه و تنبیهات لازم در ملأ عام در نظر گرفته‌اند (ستوده ۱۳۷۵، ج. ۴: ۶۸ـ۷۰). منار آجری مسجد واقع در سمت راست سردر ورودی، نقشۀ هشت‌ضلعی دارد و از روی زمین بنا کرده‌اند و پله آن از فضای داخل بنا آغاز می‌شود. بر روی گلدسته سقف شیب‌دار سایه انداخته است (تصویر ۶). داخل صحن مسجد، گور مرمت‌کنندۀ مسجد در کنج شمال شرقی نهاده شده و در راهرو مسجد نیز گور زنی است که دهی را در دورۀ قاجاریه وقف بر مسجد کرده بود (همان، ۶۶). باغچه‌ها و حوض بلندتر از کف و پاشوره‌ای نیز میان صحن برای وضو ساختن قرار دارد.



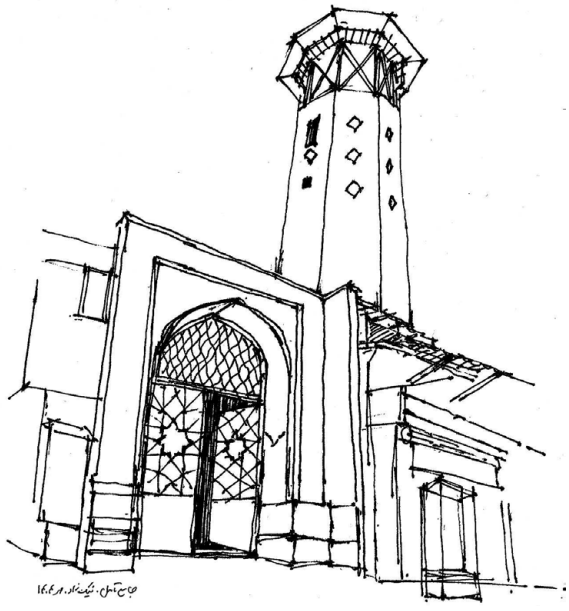
تصویر ۱: نقشهٔ مسجد جامع آمل در وضع کنونی (نقشهٔ پایه: حاجی‌قاسمی ۱۳۸۳؛ به‌روزرسانی و ترسیم از نگارنده)



تصویر ۲: نماهای چهارگانهٔ صحن مسجد جامع. بالا چپ: نمای رو به شمال، پایین چپ: نمای رو به جنوب، بالا راست: نمای رو به شرق، پایین راست: نمای رو به غرب



تصویر ۳: شبستان‌های مسجد جامع. بالا چپ: شبستان شمالی، پایین چپ: شبستان جنوبی، بالا راست: شبستان غربی بالا، پایین راست: شبستان غربی



تصویر ۴: اسکیس از سردر ورودی و منارهٔ مسجد جامع آمل

سیل و آتش‌سوزی بارها سبب ویرانی بازار و مسجد جامع شده و ازاین‌رو در طول تاریخ هر از چندگاهی به نوسازی عمارت‌ها گام برمی‌داشتند. حدود ۱۰۰۸ق سیل ویرانگری از رودخانهٔ هراز وارد آمل شد و شهر و روستاهای بسیاری را از جای کند. توماس هربرت که در سال ۱۰۳۶ق آمل را دیده بود، به وصف شهر پرداخته و عالی‌ترین بنای شهر را مسجد جمعه دانسته است. او مردم را در حال خواندن قرآن و نماز در مسجد دیده و از مردم نقل کرده که ۴۴۴ تن از ملوک و پیامبران در مسجد مدفون‌اند (ستوده ۱۳۷۵، ج. ۴: ۱۵؛ Herbert 1910, 180). بنابراین تا این تاریخ، خرابی‌های سیل جبران شده بود و ازجمله مسجد تعمیر اساسی یا از نو ساخته شد.

در سدهٔ سیزدهم و چهاردهم هجری، زمین‌لرزه‌های بسیاری در مازندران روی داد و خرابی‌های فراوانی به بار آورد؛ ازجمله در ۱۲۲۳ق، ۱۲۵۴ق و ۱۳۳۶ق (مهجوری ۱۳۴۵، ج. ۲: ۱۶۹ـ۳۷۰). علامه از روی یادداشت ابوطالب موسوی شاهاندشتی آورده که در این زمین‌لرزه بیشتر مسجدها و منبرها و امامزاده‌ها و حمام‌ها و بازارها و خانه‌ها و پل‌ها و رباط‌ها و قریه‌ها به زمین فرورفتند (علامه ۱۳۲۸، ۸۸). رابینو مسجد جامع آمل را ساختمانی بسیار قدیمی شمرده و اظهار داشته که بخش غربی آن براثر زمین‌لرزه در سال ۱۲۲۵ق ویران شد و آقا علی اشرف مشایی به تعمیر بنا دست یازید (رابینو ۱۳۸۳، ۷۲). ابوت که در ۱۸۴۳/ ۱۲۵۹ق از این شهر عبور کرد، اظهار داشته که جمعیت آمل به به پنج هزار تن می‌رسد و بازار کوچکی دارد و تجاری کم‌مایه به کسب مشغول‌اند و وسایل روزمرهٔ زندگی را می‌فروشند (ستوده ۱۳۷۵، ج. ۴: ۱۷؛ Abbot 1902, 33). از آخرین رویدادهای مخرب، آتش‌سوزی سال ۱۳۳۵ق آمل است که مانند نداشت. ابتدا از تکیهٔ نیاکی‌ها آغاز و با سرایت به دکان باروت‌فروشی، بازار را فراگرفت و با وزش باد، بیشتر شهر آمل در آتش سوخت (علامه ۱۳۲۸، ۸۸؛ مهجوری ۱۳۴۵، ج. ۲: ۳۷۰). به استناد کتیبهٔ نصب‌شده بر دیوار آجری صحن، آتش‌سوزی سال ۱۳۳۵ق/ ۱۲۹۵ش سبب شد که مسجد را سیدآقاجان شاهاندشتی تعمیر کند که این کار تا ۱۳۴۶ق/ ۱۳۰۶ش به طول انجامید (تصویر ۵).



تصویر ۵: کتیبهٔ تعمیر پس از آتش‌سوزی مسجد به دست سید آقاجان شاهاندشتی، به تاریخ ۱۰۴۶ق، که بر ضلع جنوبی نصب است.

ساختمان باقی‌ماندهٔ مسجد جامع حاصل تعمیرات و نوسازی‌های چندین و چندباره است؛ شاید دیرینگی آن پیش‌تر از سدهٔ دهم هجری نباشد. به نظر می‌رسد ستون‌ها و چفدها و تویزه‌های سه ضلع شبستانی زیرین و هشتی ورودی هم‌زمان با معماری روزگار صفویه باشد و پس از آتش‌سوزی‌ها و با وجود چند مرتبه تعمیرات حفظ شدند، اما سقف تیرپوش و اشکوب بالایی که بیشتر با چوب ساخته شده بود، بازسازی شدند. کتیبهٔ دوگانهٔ سنگی عهد سلطان حسین صفوی شاید یادگار تعمیر و بازسازی همین دوره باشد. ساختمان شبستان جنوبی، متفاوت از سه ضلع دیگر، در یک اشکوب و با استفاده از ستون‌های فلزی و خرپا بنا شده است. گمان می‌رود این شبستان که کاربری مسجد دارد، از ابتدا در یک اشکوب و با استفاده از ستون‌های چوبی بنا شده بود و براثر آتش‌سوزی، ستون‌ها و سقف سوخته و تنها جداره رو به صحن آن باقی مانده و در تعمیرات نیز نگه داشته شد. تصویری قدیمی از این جداره نیز چنین چیزی را نشان می‌دهد (تصویر ۶). در چند سال اخیر، نمای آجر سفالی و اندود سیمانی رو به صحن و کف موزاییک زدوده و با نمای آجری تعمیر و تجدید شد. همچنین جداره‌های داخلی هشتی و شبستان و اشکوب بالا تعمیر شد و سامان تازه‌ای یافت.

مدرسهٔ علمیهٔ ابوالحسن امیرالمؤمنین آمل تا چند سال پیش در مسجد جامع و مسجد آقاعباس کوچک فعالیت داشت، اما امروز تنها در مسجد جامع مجلس درس برپاست. مدرسهٔ جامع علوم دینی آمل در زمان پهلوی اول و دوم در مسجد جامع برقرار بود. اشکوب بالایی که ۲۱ باب حجره داشت، برای این منظور در نظر گرفته شده بود و ۳۴ طلبه در آن به سیاق قدیم تحصیل می‌کردند (علامه ۱۳۲۸، ۷۱ـ۷۲). مدرسهٔ علمیهٔ جدید در خارج از بازار در حال ساخت است و با اتمام آن، چراغ مدرسهٔ دینی در این بنا به خاموشی خواهد گرایید.



تصویر ۶: وابستگان مدرسهٔ علمیه در مسجد جامع آمل دههٔ ۱۳۲۰ق. بخشی از شبستان رو به صحن در این تصویر پیداست (علامه ۱۳۲۸، ۷۲).

۲. ٤. مسجد جامع آمل به استناد متون تاریخی

شهر کهنسال آمل در کتاب‌های تاریخ و جغرافیای تاریخی بارها توصیف شده است. مسجد جامع که با سرگذشت روزگار پس از اسلام شهر گره خورده، نام و نشانی از آن در لابه‌لای متون به چشم می‌خورد. ابن‌فقیه در سدهٔ سوم هجری در *مختصر البلدان* شهر آمل را به داشتن مسجد و منبر و دارالاماره وصف می‌نماید (ابن‌فقیه ۱۳۴۹ ۱۴۹). ابن‌خردادبه که زمانی استاندار طبرستان بود، در جغرافیای تاریخی خود، *المسالک و الممالک* به شهر آمل و دیگر شهرهای این ولایت اشارتی دارد (ابن‌خردادبه ۱۳۷۰، ۹۶). اصطخری در سدهٔ چهارم هجری در *مسالک و ممالک* از طبرستان و آمل یاد کرده (اصطخری ۱۳۴۰، ۱۷۰ـ۱۷۱)، اما نامی از مسجد جامع شهر نیاورده است؛ درحالی‌که به هر شهر بزرگ و کوچکی رسیده شرحی بر مسجد جامعش نیز نوشته است.

آگاهی دقیق‌تر از مسجد جامع را می‌توان از زبان جغرافی‌نویسان دیگری شنید. ابن‌حوقل در سدهٔ چهارم هجری در سفرنامه‌اش به‌تفصیل دربارهٔ آمل و راه‌های منتهی بدان نوشته و در ضمن شرح نبرد اصپهبد [خورشید] با تازیان، اظهار می‌دارد که ابوالخضیب به ساریه آمد و در آنجا منبری نهاد و در آمل نیز منبری نهاد و دو مسجد در این شهر بساخت (ابن‌حوقل ۱۳۶۶، ۱۵۶). مقدسی در *احسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم* در سدهٔ چهارم هجری از وجود بیمارستانی آباد و دو جامع در آمل خبر می‌دهد. یکی مسجد عتیق و دیگری مسجد جدید که نزدیک به هم در کنار بازار قرار داشتند (مقدسی ۱۳۶۱، ج۲، ۵۲۷ـ۵۲۸). ابن‌اسفندیار در سدهٔ هفتم ـ هشتم هجری به نقل از یزدادی در *تاریخ طبرستان* نوشته که مسجد جامع آمل در روزگار هارون‌الرشید در سال ۱۷۷ق بنیاد شد و متولی و بانی عمارت ابراهیم بن نهیک بود. چهل‌وهفت هزار و سیصد و چهل دینار صرف ساخت بنا شد (ابن‌اسفندیار ۱۳۶۶، ۷۲ و ۱۸۹). ظهیرالدین مرعشی، بانی مسجد جامع آمل را عبدالله بن قحطبه دانسته که از جانب مأمون عباسی به آمل مأمور شده بود (مرعشی ۱۳۶۸، ۶۳). مورخان یادشده اشارات دیگری هم دارند که دربردارندهٔ جزئیاتی است و در خلال بحث پیش رو یاد خواهد شد.

۳. بازخوانی مسجد جامع عتیق آمل

با وجود داده‌های اندک تاریخی دربارهٔ مسجد جامع آمل و نبود هرگونه شواهد مادی از سده‌های نخست هجری، با تجزیه‌وتحلیل همین اشارات اندک و انطباق آن با شواهد محیطی، گمان می‌رود که آگاهی بیشتری از معماری مسجد حاصل آید. حتی درخصوص یافتن نمونه‌های مشابه یا هم‌زمان در مناطق شمال ایران نیز محدودیت بسیار وجود دارد. بنابراین پژوهش پیش رو در مرحلهٔ تحلیل با کورسوهای کم‌فروغی همراه است. همهٔ اشاراتی که در ارتباط با این بنا در تاریخ‌نامه‌ها مربوط به سده‌های اولیهٔ هجری وجود داشت، گردآوری شد و با تمرکز بر مسائل تاریخی و ویژگی‌های معماری و الگوهای فضایی مورد تحلیل قرار گرفت.

۳. ۱. چندوچونی در بنیاد مسجد

در تاریخ طبرستان آمده که متولی عمارت مسجد جامع ابراهیم بن عثمان بن نهیک در روزگار خلافت هارون‌الرشید در سال ۱۷۷ق بود (ابن‌اسفندیار ۱۳۶۶، ۷۲)؛ یعنی ۳۳ سال پس از ورود تازیان به طبرستان. اما ابن‌حوقل، ابوالخضیب را نخستین بانی مسجد در آمل و ساری دانسته است که در سال گشودن طبرستان و گریختن اصپهبد خورشید (۱۴۴ق)، منبر نهاد و مسجد بساخت (ابن‌حوقل ۱۳۶۶، ۱۵۶). نوشتهٔ ابن‌حوقل مقدم بر ابن‌اسفندیار است و به بنیاد مسجد نزدیک‌تر، اما هیچ‌یک منبع گفتار خویش را ذکر نمی‌کنند؛ اینکه به نقل از منبع شفاهی است یا مکتوب یا کتیبه‌ای را در مسجد دیدند. دربارهٔ تاریخ ساخت مسجد جامع ساری مورخان یک‌قول‌اند که ابوالخضیب فرمانده تازیان در همان اوان ورود و به دست گرفتن شهر، مسجد را بساخت. اما دلیلی وجود داشته که مسجد آمل را ۳۳ سال بعد بسازند؟ درحالی‌که آمل مرکز و نشیمنگاه فروانروایان جدید طبرستان بود (ابن‌اسفندیار ۱۳۶۶، ۱۸۰) و ساری ازنظر اهمیت سیاسی در درجهٔ بعد قرار داشت؛ چنان‌که به دست تازیان و اسپهبدان دست به دست می‌شد و شاید بخشی از شهر را همواره اسپهبدان در اختیار داشتند. ساخت مسجد جامع در درون شهر نشانهٔ اقتدار سیاسی و تسلط کامل بر شهر محسوب می‌شد، هرچند همهٔ اهالی به دین جدید نگرویده باشند. ابن‌اسفندیار در تاریخش نوشته که عمر بن العلا شهربان آمل را کشت و به شهر درآمد. ابوالخضیب دو سال پادشاهی طبرستان کرد و پس از او ابوخزیمه را فرستادند که به کشتار وجوه و اعیان گبرکان پرداخت (همان، ۱۷۶ و ۱۷۸). کشمکش مردم و حاکمان مهاجم تا دهه‌ها بعد ادامه داشت و اهالی همچنان ایستادگی می‌کردند. ساخت مسجد پس از سلطهٔ کامل می‌توانسته به انجام رسیده باشد، به‌ویژه که مرکز فرمانروایی بود و شهر کلان به شمار می‌رفت. شاید دور از واقعیت نباشد که گمان ساخته شدن مسجد به دست ابوالخضیب در سال ۱۴۴ق را بپذیریم. آنگاه شاید ابراهیم بن عثمان بن نهیک مسجد را پس از گذشت سه دهه تعمیر کرد یا به دلایلی از نو ساخت.

میرظهیرالدین در جای دیگری بانی مسجد جامع را عبدالله بن قحطبه دانسته است. بنابراین ظاهراً در آمل دو مسجد جامع بوده که یکی را ابراهیم بن عثمان بن نهیک در سال ۱۷۷ق و به امر هارون‌الرشید ساخت و دیگری در دست فرقهٔ مالکیه اداره می‌شد (ستوده ۱۳۷۵، ج. ۴: ۶۶). مسجد جامع قدیم را «مسجد طشته‌زنان» می‌نامیدند. اولیاءالله آملی آورده

که مسجد طشته‌زنان از آن جماعت مالکیه است و ایشان از لاو، حوالی قصران، هر سال یا هر دو سال به آمل می‌آیند و عمارت آن می‌کنند (اولیاءالله آملی ۱۳۱۳، ۳۷). مقدسی نیز در سدهٔ چهارم هجری به مسجد عتیق و نو اشاره دارد. «آمل: قصبهٔ طبرستان، شهری نامبردار است. پارچه‌هایی در زیبایی شگفت‌انگیز، و وسایل رفاهی ویژه و بیمارستانی [آباد] با دو جامع دارد که هریک رواقی دارد. جامع عتیق نهری و درختی‌هایی دارد و در کنار بازار است. جامع دیگر نیز نزدیک آن است (مقدسی ۱۳۶۱، ج. ۲: ۵۲۷). بنابراین شاید مسجد عتیق را ابوالخضیب بنیاد کرده باشد و مسجد جدید را ابراهیم بن نهیک. با گذشت زمان و تسلط عقاید مالکیان، ایشان متولی مسجد عتیق بودند و هرساله به تعمیر مسجد دست می‌زدند.

۳. ۲. ساختارشناسی فضایی مسجد

ساختمان مسجد جامع آمل از چه الگوی فضایی پیروی می‌کرد؟ هرچند شواهد کالبدی از این مسجد در دست نداریم، اما معدودی از مورخین دربارهٔ برخی جزئیات معماری بنا آگاهی کمی ارائه می‌دهند. مقدسی که بنا به گفتهٔ خودش شهرهای طبرستان را دیده، اظهار می‌دارد که «هر دو مسجد آمل دارای رواقی است و جامع عتیق نهری و درخت‌هایی دارد و در کنار بازار است» (همان، ج. ۲: ۵۲۷). از این توصیف مقدسی به‌روشنی پیداست که مسجدها رواقی دارند. رواق بایستی جلوی فضای سرپوشیده مسجد و رو به صحن باشد. نمی‌دانیم رواق در یک ضلع بوده یا چند ضلع. اما آن‌گونه که از طرح مساجد نخستین پیداست، دو یا سه ضلع مساجد را رواق تشکیل می‌داد و یک ردیف سرپوشیدهٔ وسیع‌تر را شامل می‌شد که با اتکای به ستون‌ها پوشش می‌یافت. رواق از یک‌سو به صحن و ازسوی دیگر به دیوار انتها منتهی می‌شد. مسجد جامع شوش، دورهٔ نخست مسجد جامع سیراف و تاری‌خانهٔ دامغان از مساجد سده‌های اولیه به شمار می‌روند که در سه سو رواق دارند و شبستان در سوی قبلهٔ آن‌ها مستقر است.[۲]

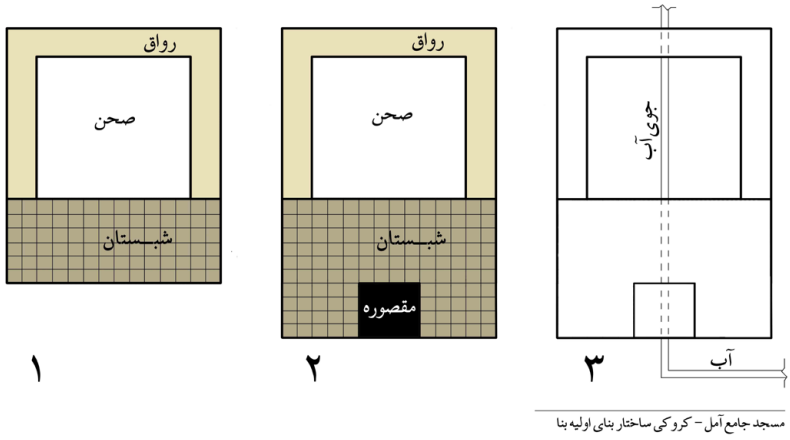
ابن‌اسفندیار نیز دربارهٔ جزئیاتی از مسجد سخن گفته است. «طول مسجد نود و سه ارش[۳] بود و طول سمک[۴] دو ارش و در او سیصد هزار و ششصد و چهل فَرسب بود.[۵] دیگر آلات بر این قیاس باید فرمود» (ابن‌اسفندیار ۱۳۶۶، ۷۲). فرسب‌های چوبی بایستی بر ستون‌ها نهاده می‌شد و در این‌صورت می‌توانیم گمان ببریم که مسجد از گونهٔ شبستانی و ستون‌دار بود. اینکه ستون‌ها چوبی بود یا آجری، روشن نیست. رواق را هم نمی‌دانیم چوبی بود یا آجری. توصیف‌ها آن‌قدر گویا نیست که بتوان نقشهٔ کلی مسجد را به‌درستی درک کرد. اگر اندازه‌ای را که ابن‌اسفندیار ثبت کرده درست بپنداریم، نزدیک به ۶۰ متر طول مسجد بود و در صورت مربع بودن بنا، می‌توان متصور شد که وسعت بنا به ۳۶۰۰ متر مربع می‌رسید. آن‌گونه که مسجد جامع امروز آمل و دیگر مساجد قدیم شهر نیز صحنی دارد، ممکن است که مسجد قدیم نیز صحنی داشت و فضاها گرداگرد آن برپا بود.

در خلال توصیف‌ها یا رویدادها در *تاریخ طبرستان*، چند مرتبه گفته شده که مسجد مقصوره داشت. یک بار دربارهٔ آبِ جاری مسجد نوشته شده که آب در پس مقصوره ظاهر بود. دیگر بار گفته شد که مازیار منادی کرد و جملهٔ معاریف و اَعیان و مشاهیر ولایت آمل را در مقصوره گرد آورد. همچنین در رویدادهای سدهٔ چهارم هجری آمده که به دستور ابوالحسن بن ابی یوسف وزیر ابوجعفر تا هزار تن را در مقصورهٔ جامع آمل کشتند (ابن‌اسفندیار ۱۳۶۶، ۷۳، ۲۱۱ و ۲۸۹). در *تاریخ رؤیان* نیز این موضوع دیده می‌شود که داعی کبیر جماعتی را که خلاف ظاهر کرده بودند، در جامع آمل به قتل آورد (اولیاءالله آملی ۱۳۱۳، ۷۱).

این‌ها را مورخانی گفتند که خود اهل همین شهر بودند و از تواتر گفتار می‌توان گمان به درستی آن برد. مقصود از مقصوره در مسجد جامع آمل چیست؟ مقصوره را بایستی به‌معنای محیطی محصور در قبله‌گاه (محراب) مسجد که امام را از دیگر نمازگزاران جدا و محفوظ نگه می‌دارد، فهمید که با نردهٔ چوبی نیز امکان این محصور کردن وجود داشت. در تصویری دیگر، فضایی متفاوت و پرداخته‌شده است که سقفی دیگرگونه نسبت به شبستان آن را می‌پوشاند. گنبدی بلندتر از سایر فضاها، شناخته‌شده‌ترین مقصوره‌هاست که نمونهٔ آن از سدهٔ چهارم هجری در مسجد جامع نایین موجود است. تصور اینکه نظیر گنبدهایی که در مناطق مرکزی ایران ساخته می‌شد، همان را در مسجد آمل به‌کار برده باشند، دشوار به نظر می‌رسد. نمی‌توان به‌درستی تصور کرد که مقصوره در مسجد آمل چه شکلی داشت. تردیدی نیست که سقف بیرونی بناها در منطقه شمال، به‌سبب باران همواره شیب‌دار بود که یا با مصالح سفالی و چوبی و گیاهی ایجاد

می‌شد یا سازه‌ای هرمی بود که با آجر برپای می‌داشتند. مورخان در سدهٔ چهارم هجری نیز به موضوع مقصوره‌دار بودن مسجد آمل اشاره دارند (جیهانی ۱۳۶۸، ۱۴۸). شاید بتوان متصور شد که مقصوره متفاوت از شبستان‌ها که سقف بیرونی شیب‌دار داشته، به‌صورت هرمی و دوپوسته برپا کرده بودند. قدیمی‌ترین نمونه‌های این‌گونه گنبدها در برج‌های آرامگاهی لاجیم (۴۱۳ق)، رسکت (اوایل سدهٔ چهارم هجری)، رادکان (۴۰۷ق) و پیش‌تر از آن در برج قابوس (۳۹۷ق) در منطقهٔ شمال ایران دیده می‌شود. در ادامه، سنت ساخت چنین گنبدهایی در برج‌های آرامگاهی سدهٔ نهمی و از روزگار مرعشیان و پس از آن در آمل و دیگر شهرها باقی مانده است. مقصوره‌ای که بزرگان و معاریف شهر در آن گرد می‌آمدند، نمی‌توانست کم‌وسعت و تنها ویژهٔ امام جماعت باشد، بلکه می‌تواند فضایی مانند گنبدخانه یا ایوان تصور شود. کهن‌ترین گنبدخانه‌ای که در مساجد ایران باقی مانده، به تاریخ ۳۸۹ق در مسجد جامع نطنز است[۶] (قوچانی و شیرازی ۱۳۷۵، ۱۴۱). ناصرخسرو در سدهٔ پنجم هجری در *سفرنامه*‌اش اشاره به مقصوره در شهرهایی دارد. مثلاً مسجد آدینهٔ قاین که «طاق عظیم بزرگ» بود (ناصرخسرو ۱۳۸۴، ۱۷۱). اگر روزگار مازیار را در نظر بگیریم، مقصورهٔ جامع آمل در سدهٔ سوم هجری برپا بود و با این وصف می‌توان از کهن‌ترین مقصوره‌ها فرض کرد.

با این اوصاف می‌توان مسجد جامع را در سدهٔ سوم هجری، با توجه به بنای اولیه و تحولات پس از آن، بنایی با ته‌رنگ چهارضلعی تصور کرد که صحنی در میان داشته و رواق گرداگرد آن می‌گشت و شبستانی با وسعت در ضلع قبله گسترده بود. همچنین مقصوره‌ای در انتهای ضلع قبله در میانهٔ آن برپا بود که بعداً به مسجد افزوده بودند (تصویر ۷). بنا به شرایط اقلیمی، سقف شبستان می‌توانست در زیر تخت تیرپوش و در بالا شیروانیِ سفال‌پوش باشد.



تصویر ۷: تصوری از ساختار فضایی مسجد جامع آمل در سده‌های اولیهٔ هجری، براساس گزارش‌های تاریخی: ۱. طرح اولیه؛ ۲. پس از افزوده شدن مقصوره و توسعهٔ احتمالی؛ ۳. جریان جوی آب مسجد در سدهٔ چهارم هجری

۳. ۳. نسبت مسجد با شهر

به گفتهٔ ابن‌اسفندیار، فرمانروای تازیان که قصد ساخت مسجد جامع را داشت، «خواست این جایگاه بخرد، اول مسلم نشد، تا آن وقت که جد ابوالحسن بن هارون الفقیه، انبارک نام مسلمان شد. او را مبارک نام نهادند، سرای خویش بفروخت. بعد او هرکس به تبرک می‌فروختند. چون عمارت تمام شد و خواستند تا قبله پدید کنند، چهل شبانه‌روز باران بود. وضع و تعیین به‌حقیقت میسر نشد، به حدس و تخمین فرونهادند و بهای این موضِع که جامع است هشتصد هزار و سی و دو دینار برآمد» (ابن‌اسفندیار ۱۳۶۶، ۷۲). از این گفته روشن می‌شود که مسجد از ابتدا در درون بافت شهر ساسانی ساخته شد؛ در جایی که خانه‌های مردم در آن قرار داشت و بافت مسکونی به شمار می‌رفت. بیشتر مساجد در سده‌های نخست هجری در بیرون شارستان یا با فاصله‌ای از زندگی مردم بنیاد می‌شد. در بیشتر شهرهای طبرستان

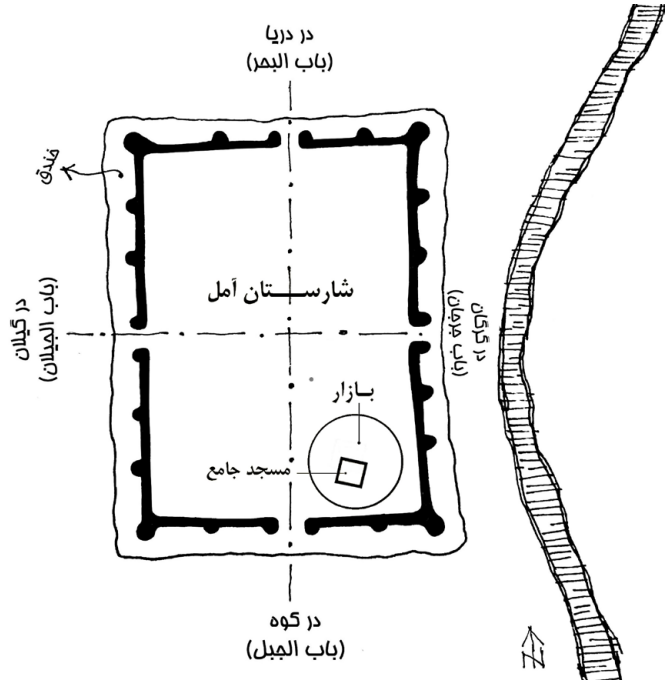
نخستین مسجدها را در داخل حصار شهرها بنا کردند. گمان می‌رود دلیل آن دو عامل باشد: یکی اینکه شهر را با نبرد و قهر ستاندند نه به صلح و تفاهم. بنابراین ساختن مسجد نشانهٔ اقتدار و قدرت و تسلط بر شهر به شمار می‌آمد. دیگر اینکه مسلمانان در سدهٔ دوم هجری طبرستان را در دست گرفتند و تا آن زمان این جماعت مسلمان‌شده در سراسر ایران افزایش یافته بود و برخلاف سدهٔ نخست، با اطمینان بیشتری می‌زیستند و تغییراتی را در شهرها به وجود آورده بودند و ساخت مسجد یکی از تغییراتی به شمار می‌رفت که تجربه شده بود و نیاز به صرف زمان چند دهه یا سده نبود.

به نظر مسلمانان در سده‌های نخست هجری، هرچند شهر یا روستایی را به‌قهر ستانده باشند، مسجد را نمی‌شد بر مکانی غصبی ساخت، زیرا نماز خوانده‌شده در مکان غصبی باطل است. ازاین‌رو زمین مسجد خریداری می‌شد. مورخان در ذکر تاریخ بنیاد مساجد دیگر هم به این موضوع اشاره کرده‌اند.

از گفتهٔ ابن‌فقیه که اشاره به مسجد جامع و دارالاماره در آمل دارد (ابن‌فقیه ۱۳۴۹، ۱۴۹)، می‌توان گمان برد که مسجد صرفاً هم‌جوار با خانه‌ها یا بازار نبود. مورخ دیگری دربارهٔ دارالاماره سخنی نگفته است. یک وضعیتی که می‌توان متصور شد، این است که دارالاماره‌ای وجود نداشته و ابن‌فقیه به‌اشتباه دراین‌باره سخنی گفته است. دیگر اینکه می‌توان تصور کرد که مسجد در کنار کاخ فرمانروا قرار داشت. بنا به اشارهٔ *تاریخ طبرستان*، قصر آمل زن فیروز را در شهر می‌شناختند و تا سدهٔ هفتم هجری شواهدی از آن در «کوچهٔ گازران، پس راستهٔ بزازان» باقی بود (ابن‌اسفندیار ۱۳۶۶، ۷۳). چه‌بسا که سرای ملِک و کاخ فرمانروای اشاره شده در تواریخ چنین بنایی بود و مسجد جامع با آن همسایگی داشت.

مسجد جامع را در عرصهٔ اولیهٔ شهر، در موضعی ساختند که چشمهٔ آبی در آن جایگاه وجود داشت. ابن‌اسفندیار در بازگویی داستان بنیاد شهر، جایی را که مسجد در آن قرار داشته، در عصر خود «اسبانه‌سرای» نامیده است. در این موضع «چشمهٔ آب بود که مستنبت او به کوه وند اومید[۷] بود، در عهد یزدادی[۸]. اندکی از آن آب ظاهر بود پس مقصوره، آبی خوش و خنک و جاری، چنان‌که به چلابه‌سر[۹] چهارپایان را آب از این جوی دادند» (همان، ۷۳). مقدسی نیز به‌نحو دیگری همین را تأیید می‌کند؛ «جامع عتیق نهری و درختی‌هایی دارد» (مقدسی ۱۳۶۱، ج. ۲: ۵۲۷). وجود آب یکی از شرایط مکان‌یابی مسجد بود، زیرا طهارت پیش‌درآمدی برای ورود انسان به مسجد است. یا آب در همان مکان وجود داشته، یا بایستی آب را به‌نحوی به مسجد می‌رساندند. بنابراین از همین آبی که سرچشمهٔ آن از کوهستان بود و در پشت مقصورهٔ مسجد ظاهر می‌شد، بایستی در مسجد جاری کرده باشند. از نقشه و هندسهٔ جوی آگاهی نداریم؛ اینکه به حوضی می‌ریخت یا نه. اما از زیر شبستان قِبلی مسجد به داخل صحن جریان داشت و از زیر مسجد به‌سوی شمال در شهر ادامهٔ مسیر می‌داد (تصویر ۷). با وجود این آب، درختانی کاشته بودند. بنابراین مسجد باغچه یا باغچه‌هایی داشت. شاید باغچه‌هایی که تا امروز در مسجد حفظ شده، یادآور همان باغچه و درختان قدیم باشد. بودند مساجد دیگری که در صحنشان درخت نشانده بودند. مسجد جامع عتیق شیراز نیز باغچه و درختانی داخل صحن داشت.

همان‌طور که پیش از این گفته شد، مسجد از ابتدا در درون بافت مسکونی شهرِ داخل حصار بنیاد شد (ابن‌اسفندیار ۱۳۶۶، ۷۳). اما مطابق گزارش تاریخی، با گذشت زمان، در سدهٔ چهارم هجری مسجد جامع کنار بازار قرار داشت (مقدسی ۱۳۶۱، ج. ۲: ۵۲۸). بنا به گفتهٔ ابن‌اسفندیار به نقل از یزدادی، در دورهٔ ساسانی، بازار در پشت خندق برپا بود (ابن‌اسفندیار ۱۳۶۶، ۷۳). این اشارهٔ تاریخی نشان می‌دهد که بازار در جای دیگر شهر قرار داشت و با بنیاد مسجد جامع و رونق گرفتن آن، کانون تجاری شهر در قالب راسته‌های بازار، به پیرامون مسجد کشیده شد و تجارت در آن سامان یافت. این به‌معنای دگرگونی تدریجی در ساختار درونی شارستان ساسانی پس از گذشت حدود دو سده است (تصویر ۸). این الگو در شهرهای دیگر ایران نیز در سده‌های نخست هجری تکرار شده است؛ به‌طوری‌که در بیشتر شهرها، مسجد جامع و بازار با یکدیگر تقریب مکانی داشته‌اند. ابن‌حوقل در سدهٔ چهارم هجری، شهرهایی نظیر کرج [ابودلف]، مرو، بلخ و دیگر موارد را کنار یا درون بازار نشان داده است (ابن‌حوقل ۱۳۶۶، ۱۱۱، ۱۶۹ و ۱۸۱). دربارهٔ راسته‌های بازار که مسجد در میان آن قرار داشت نیز اشاراتی چند شده است. ازجمله اینکه سوی شرقی مسجد و هم‌جوار با مقصوره، «راسته‌کوی» قرار داشت و داعی کبیر که در سال ۲۷۰ق وفات یافت، دخمه و قبه او نیز کنار آن برپا شد (اولیاءالله آملی ۱۳۱۳، ۷۱). کوچهٔ گازُران و راستهٔ بزازان نیز همان نزدیک بود (ابن‌اسفندیار ۱۳۶۶، ۷۳).



تصویر ۸: کروکی تصوری موقعیت مسجد جامع آمل، نسبت به شارستان، براساس گزارش‌های تاریخی

٤. ابهامات تاریخ‌نگاری معماری مسجد آمل و مساجد طبرستان

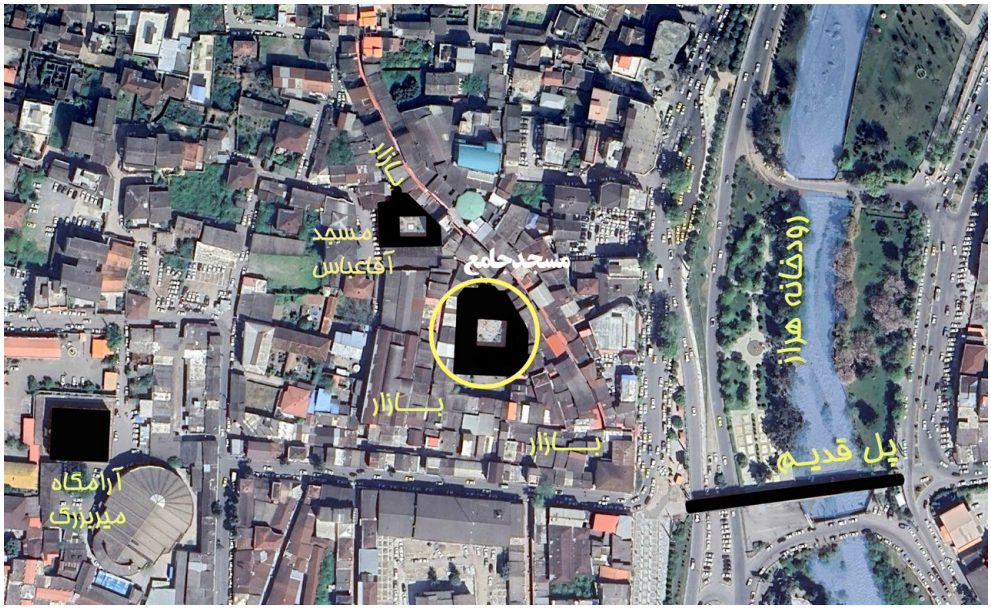
باوجود داده‌های اسنادی اندک دربارهٔ وضع مسجد جامع در ابتدای به وجود آمدن و تحولات دیگر به‌وجودآمده در همان ساختمان نخستین، در جریان این پژوهش و در نتیجهٔ تحلیل و تفسیرهایی که از متون تاریخی و شواهد محیطی به‌دست آمد، آگاهی نسبی از ویژگی‌های معماری مسجد حاصل شد و ارتباط آن با شهر تا حدی روشن شد. اما ابهامات و نادانسته‌های چندی باقی مانده که از دریچهٔ علمی بایستی جزء یافته‌های این پژوهش و جست‌وجوی بیشتر در ابعاد ناشناخته مسجد به شمار آورد؛ به این امید که پژوهش‌های دیگر راهی به روشنایی بیشتر بگشاید.

٤. ١. جست‌وجوی شواهد مسجد نخستین

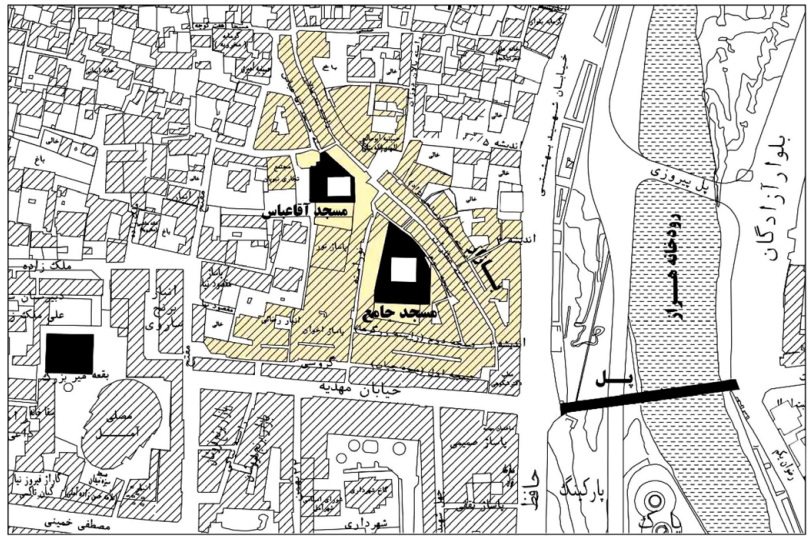
مسجد جامع موجود، از این نظر که حیاطی در میان دارد و فضاها گرداگرد آن قرار گرفته‌اند، شباهتی به مسجد سده‌های نخست هجری دارد. همان‌گونه که پیش از این گفته شد، عوامل و رویدادهای طبیعی و انسانی در تغییرات بنیادی ساختمان مسجد مؤثر بوده است. ویرانی و بازسازی‌های چندباره‌ای که براثر سیل و آتش‌سوزی در سده‌های متوالی پدید آمده بود، سبب شد از مسجد نخستین و کاست و افزوده‌های بعدی مسجد سده‌های نخستین تا میانهٔ هجری چیزی باقی نماند. به نظر می‌رسد طرح کلی مسجد بازسازی‌شده به خطوط و طرح کلی مسجد قدیم وفادار مانده باشد. شاید به این دلیل که حیاط میانی، عبادت‌کنندگان را از هیاهوی بازار دور نگه می‌داشت تا بهتر به رازونیاز بپردازند. کهن‌ترین آثار مسجد موجود از روزگار صفویه است و این بنا و تغییرات پس از آن را به‌گمان بر روی ویرانهٔ ساختمان پیشین برپا کردند. ازاین‌رو آثار قدیم مسجد را بایستی زیر خروارها خاک و آوار انباشته در همین مکان و پیرامون آن جُست. هنگام برخی تعمیرات و نوسازی‌های چند دههٔ پیش در بخش بیرونی متصل به مسجد انجام می‌شد، برخی بقایا، که شواهد کهن‌تر بنا بوده آشکار شده بود، بدون آنکه مطالعه‌ای برای شناخت بیشتر صورت گیرد. تعمیرات اخیر کف و جداره‌های مسجد نیز جز کاوش و مطالعهٔ محدود، بدون پرداختن به ابهامات دوره‌های کهن ساختمانی و جست‌وجویی در چندوچون تاریخ معماری به اجرا درآمد. این کاوش که در کف شیستان شرقی صورت گرفت، در لایهٔ نخست آثاری معماری آجری

به‌انضمام آثار فرهنگی دیگر نظیر سفالینه‌های سدهٔ چهارم تا نهم هجری را آشکار کرد (تقوی، فلاح، و فرجی ۱۳۹۲، ۷۴). در لایه‌های زیرین پهنهٔ شهر آمل آثار قدیم به‌وضوح وجود دارد و هرگونه کندوکاوی به آثار قدیم می‌رسد و این نکته آشکار است. گمانه‌زنی باستان‌شناسی در محدودهٔ شمالی شهر قدیم، آثار معماری و سفالینه‌ای از سدهٔ سوم هجری را در عمق ۲۸۰ سانتی‌متری به دست آمد (شیدفر و دیگران ۱۳۹۳، ۲۶۱) و کاوش در عمق بیشتری ادامه نیافت. شایان در کتاب مازندران به این اشاره دارد که مردم تا سال‌ها برای ساختن خانه‌هایشان از آجرهای کهنه‌ای که زیر خاک بود، با کندن زمین و بیرون آوردن آن‌ها استفاده می‌کردند و به‌این‌ترتیب آثار تاریخی بسیاری نیز به دست می‌آمد (شایان ۱۳۱۶، ۱۵۴).

آن‌گونه که پیش از این بارها یاد شد، بنا به نوشته‌های مندرج در *احسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم* در سدهٔ چهارم هجری، گفت‌وگو از دو مسجد جامع نزدیک به هم در آمل است و ظاهراً هر دو ازنظر سازمان فضایی شباهت به هم داشتند (مقدسی ۱۳۶۱، ج. ۲: ۵۲۷). به‌روشنی نمی‌توان دریافت که توصیف ابن‌اسفندیار و دیگران دربارهٔ مسجد جامع مربوط به کدام مسجد است؛ مسجد عتیق یا مسجد نو. شاید بتوان این تصور را مطرح کرد که مسجد جامع کنونی همان مسجد عتیق و مسجد آقاعباس کوچک برجای مسجد نو باشد. این مسجد به فاصلهٔ کمتر از ۱۰۰ متر نسبت به غرب مسجد، در میان بازار جا دارد (تصویر ۹ و ۱۰) و مقدسی روشن نکرده فاصلهٔ نزدیک دو مسجد چه اندازه بود. اگر بر این فرض استوار باشیم که بنا به قاعدهٔ فقهی، امکان جایگزین کردن بنای دیگری غیر از مسجد بر زمینی که صیغهٔ مسجد در آن خوانده شده وجود ندارد، نزدیک‌ترین مسجد به مسجد جامع همین مسجد است و موقعیت آن نیز با بازار گره خورده و ازنظر بهره‌برداری نیز راهی را طی کرده که مسجد جامع رفته؛ یعنی پس از تغییر و تحولات تاریخی کاربری مسجد ـ مدرسه و در ارتباط باهم پیدا کرده است. همچنین ازنظر ساختار فضایی و عناصر و اجزا نیز بی‌شباهت به هم نیستند. صحنی در میان و فضاها گرداگرد صحن، در دو اشکوب، سردر ورودی و تک‌منارهٔ آجری هشت‌وجهی جوار سردر را می‌توان مثال آورد (تصویر ۱۱).



تصویر ۹: موقعیت مسجد جامع در میان بازار آمل که هم‌جوار رودخانه است و فاصلهٔ نزدیک مسجد آقا عباس با مسجد جامع در بازار (عکس هوایی گوگل ارث، ۲۰۲۵؛ افزوده‌ها از نگارنده)



تصویر ۱۰: نقشهٔ موقعیت مسجد جامع در میان بازار آمل. بازار به رنگ زرد و مسجد آقاعباس، پل و آرامگاه میربزرگ به رنگ سیاه نشان داده شده است (نقشهٔ شهری از سازمان نقشه‌برداری کشور؛ افزوده‌ها از نگارنده).



تصویر ۱۱: مسجد آقاعباس واقع در بازار آمل

٤. ۲. ابهامات مکان‌یابی

نکتهٔ دیگری که می‌توان با وارد کردن تردید بحث کرد، همانا هویت مکانی و پهنهٔ شهری مسجد در ابتدای ساخته شدن است. بنا به مستندات متنی تاریخی و توسعه‌های بعدی شهری و شواهد موجود در این پژوهش این‌گونه استدلال شد که مسجد جامع آمل از ابتدا در درون بافت مسکونی شارستان بنیاد شد. البته این استدلال و نتیجهٔ به‌دست‌آمده مبتنی‌بر داده‌های محدودی است و قطعیت ندارد. این عدم قطعیت را می‌توان ناشی از آگاهی کلی و ناکافی از وضعیت شهر در سدهٔ دوم هجری، که با ورود مسلمانان همراه می‌شود، دانست. اگر سکونت مردم شهر در روزگار ساسانی و فرمانروایی اسپهبدان به درون شارستان محدود می‌بود، این گمان می‌تواند به درستی نزدیک باشد، اما اگر این احتمال

را بتوان مطرح کرد که پهنهٔ سکونتی در این روزگار در بیرون حصار و باروی شارستان نیز جریان داشت، آنگاه می‌توان ساخت مسجد را به بیرون حصار و نزدیک شارستان تصور کرد و این‌گونه پنداشت که در جریان توسعهٔ سده‌های بعد به شارستان الحاق شده باشد. این با فرضیهٔ پذیرش تدریجی اسلام در شهرها و روستاهای ایران سازگاری دارد، اما فقط یک گمان بدون اسناد و شواهد به شمار می‌رود.

٤. ٣. دیگر مساجد طبرستان

مشاهدهٔ میدانی مساجد دیگر شهرهای طبرستان (مازندران) نیز وضعی شبیه به مسجد جامع آمل را نشان می‌دهد و ازاین‌رو امکان مطالعهٔ تطبیقی دربارهٔ معماری این‌گونه بنا سلب می‌شود. اغلب مساجد، بناهایی از دوره‌های متأخر هستند و بنا به اشارات تاریخی، از سده‌های نخست هجری مسجد در آن‌ها برپا شده بود، که تازیان یا اهل طبرستان بانی ساختشان بودند. ابن‌اسفندیار فهرست ۲۷ تایی از شهرهای واقع در هامون و کوهستان را نام می‌برد که دارای «جامع، مصلی، بازارها، قضات، علما و منابر» بود (ابن‌اسفندیار ۱۳۶۶، ۷۴). از آن جمله است: مسجد جامع ساری که ابوالخضیب در سدهٔ دوم هجری بانی ساخت آن بود (ابن‌حوقل ۱۳۶۶، ۱۵۶)؛ مسجد جامع مامطیر که در سال ۲۶۰ق به دستور مازیار قارن همراه شهر ساخته شد (ابن‌فقیه ۱۳۴۹، ۱۴۹؛ ابن‌اسفندیار ۱۳۶۶، ۷۳)، شهر چالوس که مسجد جامع و منبر داشت (ابن‌رسته ۱۳۸۰، ۱۷۷)؛ مسجد جامع تمیشه (طمیس) که در سده‌های نخستین هجری برپا بود (همان‌جا) و اکنون ویرانهٔ شهر و مسجد در محوطهٔ این شهر کهن باقی مانده است (قائمی ۱۳۹۵، ج. ۲: ۳۶۷ـ۳۶۸). پژوهش درخوری دربارهٔ این مساجد صورت نگرفته و کاوش باستان‌شناسی برای فهم تاریخ معماری این آثار انجام نشده است. بنابراین خلأ و ناشناخته‌های فراوانی در تاریخ‌شناسی معماری مساجد طبرستان وجود دارد که با پژوهش توأمان باستان‌شناسی و معماری امکان رفع آن‌ها به وجود می‌آید.

در پهنهٔ شمال ایران، آثار دو مسجد کهن برپا، در گرگان و گیلان آشکار است. یکی مسجد جامع گرگان که منارهٔ آجری با کتیبه‌ای به خط کوفی از سدهٔ ششم هجری در آن به جا مانده و دیگری اسپی مزگت نزدیک شهر تالش که بخشی از شبستان آن برپاست. مسجد جامع گرگان در شرایط کنونی بنایی است دوایوانی که صحنی در میان دارد و ایوان و شبستان‌هایی در پیرامون آن جا دارند. جز منارهٔ آجری با ته‌رنگ دایره، دیرینگی بنای موجود پیش‌تر از دورهٔ نهم و یازدهم هجری نیست (گلمبک و ویلبر ۱۳۷۴، ۶۳۰؛ میرحسینی ۱۳۹۶، ۱۶۸ـ۱۶۹). اسپی مزگت (مسجد سپید) که در حاشیهٔ غربی رودخانهٔ دیناچال تالش قرار دارد، بنایی با صحنی در میان بوده و با گذشت روزگار و ویرانی‌های به‌وجودآمده، بیشتر از یک ضلع آن باقی نیست. دالانی کشیده که طاق‌آهنگ سراسری آن را می‌پوشاند و کتیبهٔ کوفی برجسته‌ای بر دیوار آن گویای بنایی از سدهٔ چهارم ـ پنجم هجری می‌تواند باشد (خالقی ۱۳۸۴، ج. ۱: ۳۲۳). این دو مسجد فناوری ساخت متفاوتی دارند. اولی با سازهٔ آجری و تویزه همراه با سقف تخت تیرپوش و دومی دارای سازهٔ آجری با پوشش طاق‌آهنگ. شاید ترکیبی از این دو وجود داشته، اما نمونه‌ای در دست نیست. وجود پوشش طاق هرچند در مساجد شمال ایران بی‌سابقه نیست، به‌صورت محدود کاربرد داشت نه اینکه اساس یک بنا را شکل دهد. استثناهایی مانند مسجد جامع فرح‌آباد ساری به تبعیت از معماری مرکز ایران در سدهٔ یازدهم هجری ساخته شد.

جز منار آجری بدون تاریخ، نمی‌توان شباهت دیگری با دیگر مساجد جُست. ازاین‌رو که معماری سده‌های میانه و متأخر مساجد مسئلهٔ پژوهش نیست، با تحلیل وضع موجود این مساجد نمی‌توان راه به جایی برد.

نتیجه

در پی پاسخ‌گویی به پرسش این پژوهش، با جست‌وجو در متون تاریخی و شواهد محیطی، روشن شد که مسجد جامع آمل در همان ورود تازیان مسلمان، در میانهٔ سدهٔ دوم هجری در میان بافت شهری، با الگویی شبیه به مساجد شبستانی ستون‌دار برپا شد، با این نظام فضایی که صحنی در میان داشته و شبستان‌ها بر گِرد آن قرار داشتند و با تیرهای چوبی پوشیده شده بود. چندی بعد با ساخت مقصوره تحولی در فضای مسجد به وجود آمد که احتمالاً با توسعهٔ شبستان همراه بود. در میان صحن درختانی کاشته بودند و جویی که از وند اومیدکوه سرچشمه می‌گرفت، آب مسجد را با گذر از صحن

تأمین می‌کرد. علاوه‌بر مسجد اولیه که عتیق نامیده شد، مسجد دیگری نیز نزدیک آن برپا شد که مسجد جامع نو بود. مسجد جامع را می‌توان کانون تحولات شهر روزگار ساسانی و اسپهبدان به دوران پس از اسلام دانست؛ زیرا از این پس بازار بر پیرامون مسجد به وجود آمد و گسترش یافت. بازار پیش از ورود مسلمانان، در ساختار شهر ساسانی در بیرون خندق برپا بود. مساجد و مدارس و مشاهد دیگری نیز در شهر بنا گردید و سیمای شهر طی سده‌های نخست هجری دچار دگرگونی در منظر و کارکرد شهری شد. طبیعتاً همهٔ این‌ها ریشه در تغییرات اجتماعی و مذهبی در شهر آمل و منطقهٔ طبرستان داشت.

اما میان بنای مسجد جامعی که امروز در دو طبقه برپاست و کاربری مسجد ـ مدرسه دارد و مسجد جامع اولیه، جز طرح حیاط میانی، نمی‌توان شباهت معناداری جُست. ویرانی‌های پی‌درپی سده‌ها پیش سبب شد که مسجد جدیدی جایگزین مسجد قدیمی شود. به‌طوری‌که کهن‌ترین آثار مسجد جامع کنونی از دورهٔ صفویه است و شواهد مادی معماری به چشم نمی‌خورد. به همین نسبت، دگرگونی‌های شهری نیز به‌قدری شدید و بنیادی بوده، که شهر امروز نیز شباهتی به شهر قدیم ندارد. ازاین‌رو کهن‌ترین آثار معماری به‌جامانده در این شهر به سدهٔ نهم هجری تعلق دارد. برخلاف مناطق مرکزی ایران، آثار معماری در شمال ایران دوام چندانی نیاورده است. همین موضوع سبب شده که شواهد شهری و معماری از گذشته‌های دور آشکارا به جا نمانده باشد. کاوش محدود در کف شبستان شرقی مسجد آثار معماری متأخر و سفالینه‌هایی از سدهٔ چهارم تا نهم هجری را آشکار کرد. همهٔ این آثار زیر خاک پنهان است و با کاوش باستان‌شناسی در عرصه‌های درون شهر می‌توان بدان‌ها پی برد. بنابراین باستان‌شناسی شهری دراین‌باره یاریگر است. آگاهی از شواهد مسجد جامع قدیم نیز به همین نحو ممکن خواهد شد و بایستی به پژوهش‌های باستان‌شناختی هدفمند و سپس تحقیق تاریخ معماری در آینده سپرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. دراین‌باره منابع تاریخی اشارات روشنی دارند. در تاریخ‌نامه‌های عمومی مانند *تاریخ طبری* و در تاریخ‌نامه‌های محلی نظیر *تاریخ طبرستان* ابن‌اسفندیار دراین‌باره نوشته شده است. همچنین به تحقیقات جدید مانند *مازیار* نوشتهٔ مینوی و هدایت و *تاریخ آمل تا زمان جریر طبری* نوشتهٔ نیک‌زاد آملی در از این مقطع تاریخی مطالبی دارند.

۲. برای آگاهی بیشتر، تحقیقات گیرشمن (۱۹۴۷) دربارهٔ جامع شوش، وایت هاوس (۱۹۸۰) دربارهٔ جامع سیراف، و گُدار (۱۳۸۵) دربارهٔ تاریخانه دیده شود.

۳. هر ارش تقریباً برابر با ۶۴ سانتی‌متر بود (رجبی ۱۳۹۸).

۴. «سمک» در زبان عربی به‌معنای ماهی است، اما در اینجا کاربردی ندارد. شاید «سمیک» عربی باشد که به‌معنای ضخامت است. ظاهراً سمک چیزی جدای از مسجد و ساختمان مسجد باید باشد؛ زیرا طول مسجد جدا و طول سمک جدا ذکر شده است.

۵. این به نظر اغراق‌آمیز است.

۶. البته معدود محققانی در مسجد بودن این بنا در زمان ساخته شدن گنبد تردید وارد کرده‌اند (Blair 1985, 103).

۷. وند امیدکوه که امیدوارکوه نیز گفته می‌شد، واقع در کوهستان البرز، از ییلاق‌های جنوب آمل است که امروز کوه امیری، متشکل از چند روستا در بخش لاریجان است (نیک‌زاد آملی ۱۳۷۰، ج. ۱: ۱۳۳).

۸. مقصود از عهد یزدادی، زمان ابوالحسن علی بن محمد یزدادی، مورخ سدهٔ پنجم هجری است که کتاب عُقَد سِحر و قلائد دُرر را نوشته بود و ابن‌اسفندیار اساس تاریخش را بر آن نهاد.

۹. از محله‌های آمل، چلابی‌محله در انتهای پایین‌بازار آمل، در حدود شمال مسجد جامع با فاصله قرار دارد.

منابع

- ابن‌خردادبه. ۱۳۷۰. *مسالک و ممالک*. برگردان حسین قره‌چانلو، از روی متن تصحیح‌شدهٔ دخویه. تهران: مترجم.
- ابن‌اسفندیار. ۱۳۶۶. *تاریخ طبرستان*. تصحیح عباس اقبال. به اهتمام محمد رمضانی. تهران: کلالهٔ [پدیده] خاور.

- ابن‌حوقل. ۱۳۶۶. *سفرنامه ابن‌حوقل؛ ایران در صورة الارض*. برگردان و توضیح جعفر شعار. چ۲. تهران: امیرکبیر.
- ابن‌رسته، احمد بن عمر. ۱۳۸۰. *الأعلاق النفیسه*. برگردان و تعلیق حسین قره‌چانلو. چ۲. تهران: امیرکبیر.
- ابن‌فقیه، ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق همدانی. ۱۳۴۹ *مختصر البلدان*. برگردان ح. مسعود. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم. ۱۳۴۰. *مسالک و ممالک*. به کوشش ایرج افشار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اولیاءالله آملی. ۱۳۱۳. *تاریخ رؤیان*. به تصحیح و دقت عباس خلیلی. تهران: کتابخانهٔ اقبال.
- تقوی، عابد، میثم فلاح، و آوا فرجی. ۱۳۹۲. مطالعهٔ گونه‌شناسی و گاه‌نگاری نسبی سفالینه‌های مکشوفه از مسجد جامع آمل. *چکیدهٔ مقالات همایش ملی باستان‌شناسی ایران: دستاوردها و آسیب‌ها*. بیرجند: دانشگاه بیرجند.
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد. ۱۳۶۸. *اشکال العالم*. برگردان علی بن عبدالسلام کاتب. با مقدمه و تعلیقات فیروز منصوری. تهران: آستان قدس رضوی، به‌نشر.
- حاجی‌قاسمی، کامبیز. ۱۳۸۳. *گنجنامه، مساجد جامع*. بخش اول. تهران: دانشگاه شهید بهشتی و روزنه.
- خالقی، فاطمه. ۱۳۸۴. اسپی مزگت نگینی در گیلان. مجموعه *مقالات سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران*. به کوشش باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور. ۳۲۱ـ۳۴۹.
- رابینو، یاسنت لویی. ۱۳۸۳. *مازندران و استرآباد*. ترجمهٔ غلامعلی وحید مازندرانی. چ۴. تهران: علمی و فرهنگی.
- رجبی، پرویز. ۱۳۹۸. «ارش». در *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*. انتشار برخط به نشانی: www.cgie.org.ir
- ستوده، منوچهر. ۱۳۷۵. *از آستارا تا استاراباد، آثار و بناهای تاریخی مازندران غربی*. چ۲. تهران: آگاه؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- شایان، عباس. ۱۳۱۶. *مازندران، اوضاع جغرافیایی و تاریخی*. چاپخانهٔ باقرزاده، مؤلف.
- شیدفر، محمدرضا و دیگران. ۱۳۹۳. معرفی برخی بناهای تاریخی آمل. *گنج‌نوشت؛ گفتارهایی در گسترهٔ فرهنگ بومی/ ملی*. به کوشش نصرالله هومند. آمل: طالب آملی و بنیاد فرهنگ آمل.
- علامه، صمصام‌الدین. ۱۳۲۸. *یادگار فرهنگ آمل*. تهران: ناشر مؤلف، چاپ تابان.
- قائمی، جمشید. ۱۳۹۵. تمیشه. در *دانشنامهٔ گلستان (جرجان و استرآباد)*. گرگان: بنام. ۳۶۰ـ۳۷۰.
- قوچانی، عبدالله، و باقر شیرازی. ۱۳۷۵. بررسی کتیبه‌های مجموعه نطنز و مسجد جامع نایین. *اثـر*، ش. ۲۶ و ۲۷، ۱۳۲ـ۱۴۲.
- گُدار، آندره. ۱۳۸۵. *آثار ایران*. ترجمهٔ ابوالحسن سرومقدم. تهران: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- گلمبک، لیزا، و دونالد ویلبر. ۱۳۷۴. *معماری ایران و توران در دورهٔ تیموری*. ترجمهٔ کرامت‌الله افسر. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- مرعشی، سید ظهیرالدین. ۱۳۶۸. تاریخ *طبرستان و رؤیان و مازندران*. به کوشش محمدحسین تسبیحی. چ۳. تهران: شرق.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد. ۱۳۶۱. *احسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم*. جلد ۱ و ۲، برگردان علینقی منزوی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- مهجوری، اسمعیل. ۱۳۴۵. *تاریخ مازندران*. ساری: مؤلف.
- میرحسینی، محدثه. ۱۳۹۶. مسجد جامع گرگان. در *دانشنامهٔ گلستان (جرجان و استرآباد)*. ج۳، گرگان: بنام. ۱۶۷ـ۱۸۶.
- مینوی، مجتبی، و صادق هدایت. ۱۳۴۲. *مازیار*. تهران: امیرکبیر.
- ناصرخسرو، قبادیانی بلخی. ۱۳۸۴. *سفرنامه*. تصحیح محمد دبیرسیاقی. چ۸. تهران: زوار.
- نیک‌زاد آملی، میرسعید. ۱۳۷۰. تاریخ آمل تا زمان جریر طبری. در *قلمرو مازندران*. به کوشش حسین صمدی. قائم‌شهر: نقش جهان. ۸۴ـ۱۴۹.
- یوسفی‌فر، شهرام، و معصومه یدالله‌پور. ۱۳۸۸. بررسی مسجد ـ مدرسه‌های وقفی جامع و آقاعباس در بافت مرکزی شهر آمل. *گنجینهٔ اسناد* ۱۹ (۳)، ۲۵ـ۵۲.
- Abbot, K. E. 1902. *Narrative of a Journey from Tabriz along the Shorts of the Caspian Sea to Tehran*.
- Blair, Sheila S. 1985 A. *The Ilkhanid Shrine Complex at Natanz, Iran*. Harvard University.

- Herbert, Thomas. 1910. *Travels in Persia*, 1627- 1629. London. Edited by Sir E. Denison Ross and Ellen Power. London: George Routledge and Sons, LTD.
- Ghirshman, R. 1947-8. Une Mosquee de Suse de debut de 1'Hegire. *Buletin d'Etudes Orientales*, xii, 78-79.
- Whitehouse, David. 1980. *The Congregational Mosque of Siraf and its Monumental Inscription and other mosques from the 9 to the 12 centuries*. London.

Abstract

Historiography of the Architecture of Masjed-e Jāme' (Grand Mosque) of Amol and Its Relationship with the City in the Early Centuries after the Hijrah

Zatollah Nikzad
Associate Professor, Recherche Institute Cultural Heritage and Tourism (RICHT)

More than a century past the Islamic conquest of Persia, Tabaristan was annexed to the Islamic Caliphate. During this period, various social and spatial changes occurred in Iran's major cities. Sheltered by the mountains of northern Iran and governed by the Espahbadhieh dynasty, Tabaristan remained relatively intact despite the conflicts, however. Information on that epoch is mostly understood from the texts of historical accounts, while very little is extracted from architectural and archaeological evidence. Natural disasters as well as negative human interventions, and the adverse events of the past in general, have disturbed the ancient evidence, especially in the plains and cities. Meanwhile, little targeted and extensive research has been conducted on the region. The City of Amol was the center of Tabaristan and one of its most important cities in both ancient times and the early centuries after the Muslim conquest. Of the first endeavors of the Caliph's agents in Tabaristan was the foundation of the Jāme' Mosque (Grand Mosque) in the middle of the second century AH. Therefore, it can be assumed that Amol's Grand Mosque is a turning point for the understanding of the transformation of a Sassanid city into a post- Sassanid one. The present study aims to review the architectural specifications of Amol's Grand Mosque in the early centuries upon the Prophet's Hijrah and to explore its relationship with the city. To this end, the study adopts the interpretive-historical research methodology, employing an interdisciplinary approach to facilitate the understanding of the intertwined relationship between the Mosque and the City. The sources available for study and analysis include historical geography books and local historical accounts such as the *History of Tabaristan*. The findings of the study indicate that the Grand Mosque most probably belonged to the category of pillared Shabestan (prayer hall) with a courtyard in the middle, which was later transformed through the construction of a maqṣūrah. For Amol, the starting point of the transition from a Sassanid city to an Islamic one was the building of the Jame Mosque founded in the inner texture of the city, which spread gradually to the other parts. Accordingly, the bazaar was established with arcades around the Jame Mosque.

Keywords*:* Masjed-e Jāme' (Grand Mosque), City of Amol, Tabaristan, History of Architecture, History of the City.

JIAS

Journal of Iranian Architecture Studies

University of Kashan
School of Architecture and Art

29

Vol. 29, Spring and Summer 2026
E-ISSN: 2676-5020

- **Historiography of the Architecture of Masjed-e Jāme' (Grand Mosque) of Amol and Its Relationship with the City in the Early Centuries after the Hijrah**
  Zatollah Nikzad
- **Redefinition of the Qaysariyyah Area in the Bazaar of Kashan and the Formation of a New Urban Center in the Second Half of the Qajar Period**
  Yasaman Safian, Hamidreza Jayhani, Seyed Mahmood Sadat Bidgoli
- **Assessing the Values of Rudkhan Castle as World Heritage from the Perspective of the ICOFORT Charter and the Operational Guidelines for the Implementation of the World Heritage Convention**
  Aboozar Janalipoor, Pirouz Hanachi, Mohammad-Hassan Talebian
- **Enhancement of Lateral Stability Threshold of Barrel Vault Supported by Walls**
  Farzin Izadpanah
- **Evaluation of the Performance of Brick Lattice Screens in Controlling Solar Radiation and Daylight in the Hot and Semi-Arid Climate of Dezful**
  Kolsoom Kamkar, Kourosh Momeni, Akbar Mousaeijoo
- **From Royal Garden to Urban Square: The Emergence of the Mahjar and the Reconfiguration of the Iranian Cityscape in the Late Naseri Era**
  Kaveh Rashidzadeh, Golnar Hekmat
- **Classification and Algorithmic Analysis of Articulation Types in Historical Iranian Girih Patterns**
  Mahdi Azizi Hamedani, Mojtaba Sabetfard
- **Conceptual Dimensions and Characteristics of Abductive Reasoning in Design Practice**
  Ali Qoreishvandi Abraki, Ali Alai, Keivan Jourabchi, Saeid Norouzian Maleki
- **The Role of Spatial Configuration in Creating Sociability in Social-Scale Shopping Centers in Isfahan**
  Maryam Gorouhi, Narges Dehghan, Mansoureh Kianersi, Somayeh Rafiei
- **Pragmatic Evaluation: An Opportunity to Reform Policies and Practices in Targeted Areas (Concrete Case: National Regeneration Policy in Iran)**
  Morteza Hadi Jaberi Moghaddam, Shima Saghandali
- **From Eventification to Characterization of Memorial Museums**
  Faezeh Tafreshi, Manoochehr Moazzami, Nicholas Wise
- **The Effect of Removing Old-Growth Trees in the Architecture of Ilam's Streets on Pedestrian Thermal Comfort Changes Based on Computational Fluid Dynamics (CFD)**
  Karen Fatahi, Nasrin Siavash